

درباره شرایط امروز کشور، موقعیت احزاب و نخبگان و نگاه نسل جدید

تمدن با بخشنامه پدید نمی آید



سیدمحمد خامنی

رئیس دولت اصلاحات

تنوع فکری حضار قابل تقدیر است. این نوع جمع‌ها می‌تواند در کشور ما بسیار مفید باشند اما چه اندازه حکومت به آنها اعتماد دارد؟ البته این نوع نگاه بیشتر در مورد احزاب و تشکل‌های رسمی در ایران مطرح است و آنها هیچگاه نقش عمده‌ای در مقابل حکومت نداشته‌اند. احزاب یا باید وابسته به حکومت باشند و یا اگر حزبی تسلیم نباشد، به عنوان مخالف رانده خواهد شد. از مرحوم دکتر شریعتی شنیدم که می‌گفت: «پرتکریر در روسیه وقتی متوجه‌شد که کشورش از غرب عقب افتاده به فکر علت افتادو دید در روسیه مردها ریش‌شان را خیلی بلند می‌گذازند ولی غربی‌ها نوعاً ریش‌شان را می‌تراشندو گمان کرد علت پیشرفت غرب وعقب‌افتادگی روسیه این است. بخشنامه کرد که از فردا همه در روسیه ریش‌شان را بتراشند. با این کارها روسیه پیشرفت نکرد و باز هم نسبت به غرب عقب بود.»

امروز زیاد می‌شنویم که گفته می‌شود می‌خواهیم و باید تمدن اسلامی بسازیم؛ اما توجه نیست که تمدن را افراد نمی‌سازند. البته که متفکران و دانشمندان در تحولات مؤثرند اما آنان نیز زاده زمان خود هستند. تمدن یک فرآیند عمیق و گسترده‌ای است که با بخشنامه قطعاً پدید نمی‌آید؛ تازه مراد از تمدن اسلامی چیست ونسبت فرهنگ با تمدن کدام است؟ و ما و جهان در کدام شرایط تاریخی قرار داریم؟ در تاریخ چند تمدن معتبر و جهانی وجود دارد: یونان، رم، ایران قبل و بعد از اسلام وبه‌طور کلی تمدن اسلامی، چین، مصر و... هستند که تمدن‌های شرقی بیشتر درون گرا بوده‌اند. گرچه در دادوستد تاریخی تأثیر خود را بر دیگران گذاشته‌اند. این تمدن‌ها در بروز و ظهور و رشد خود در تعامل و دادوستد با یکدیگر بوده‌اند. شرایطی ایجاد می‌شودو نظم وسامان موجود تغییر می‌کند و جامعه‌ای که بر اندام جسم و جان جامعه است تنگ می‌شود. جامعه به تدریج عوض می‌شود یا جان و تن رشدیافته جامعه، جامه را می‌دراند و تمدن جدید پدید می‌آید. البته باید پذیرفت که تمدن ریشه در سرشت آدمی دارد یعنی انسان طبعاً مدنی است و از این جهت بین جوامع بشری وجه مشترک وجود دارد وبه همین دلیل هم گفت‌وگوی بین تمدنها ممکن می‌شود. در این گفت‌وگو وتبادل است (حتی در جریان جنگ) که تمدن‌ها از یکدیگر اثر می‌پذیرند. چنانکه در جریان جنگ‌های صلیبی غرب با جهانی کلاماً متفاوت با خود، در دنیای اسلام روبه‌رو شدو همین امر ضربه‌ای بود که او را به آینده و تمدنی نو رانهمایی کرد. از طرف دیگر تمدن اسلامی از یونان، روم، ایران و... در تاسیس وبسط خود متأثر بوده است؟ بحرانی که اکنون ما داریم این است که در دوران جدید تمدن غرب با استیلایی که داشته، آمده است و عملاً رُ باطن و ظاهر زندگی ما تأثیر گذاشته است. امروز زندگی ما در بیشتر جهات وابسته به دستاوردهای تمدن غرب است. برق، علم (ساینس)، تکنولوژی، شهر و سامان جدید آن و حتی نظم وسامان زندگی، مگر ما جمهوری اسلامی نمی‌خواهیم. جمهوری از کجا آمده از امام هم می‌پرسند جمهوری یعنی چه می‌گویند یعنی همان که در فرانسه است. ما متأثر از غربیم بی‌آنکه از محتوای تمدن غرب وریشه‌های آن آگاه باشیم، ما به فرهنگ و سنت دیگری تعلق داشته‌ایم و با این پیش آمد دچار بحران شده‌ایم. این اشتغکی و بحران پیش از مشروطیت بوده است و حالا هم هست. تجدد چیست؟ سنت چیست؟ نسبت اینها با یکدیگر کدام است؟ آیا بدون اجتهاد در سنت و اجتهاد در غرب می‌توانیم از این بحران نجات پیدا کنیم؟ یا چنانکه تاکنون بوده است با حسن نفرت یا شیدایی در برابر غرب (رویه تمدن غرب) نه از استیلای غرب نجات پیدا می‌کنیم. نه ستلمان برای امروز و آینده به کار مان می‌آید.

من در جایی گفته‌ام که به تعبیر بعضی از اگرستانسالیست‌ها ما پرتاب شدیم به مدرنیته یا تمدن جدید. اینطور نیست که ما به روال عادی که در غرب وجود داشت و با یک سیر تاریخی، به آن رسیده باشیم. بلکه یک تمدن نیرومند به وجود آمده و اصطلاحات، محتویات وسامان‌ها و دستاوردهایش به نحوی ما را تحت تأثیر قرار داده است. ما با یک مسئله جدید روبه‌رو شدیم ونمی‌دانستیم چگونه باید با آن رفتار کنیم. و مسئله مهم دیگر این است که امروز در حالی تجدد و سنت و نسبت آنها با یکدیگر مسئله ما است که خود تمدن غرب با بحران تازه روبه‌رو است. البته تمدن جدید با برخورداری از «خود انتقادی» توانسته است تاکنون بحران‌های خود را حل کند؛ مارکسیسم مهم‌ترین مشکل را در قرن ۱۹ برای غرب ایجاد کرد. یعنی مارکسیسم که در واقع آسیب‌شناسی خیلی هوشمندانه از وجه سرمایه‌داری غرب بود. غرب را با بحران فکری و عملی بزرگی روبه‌رو کرد ولی این امر سبب به خود آمدن غرب و انتقاد از خود شد و تحولاتی در فکر و عمل سرمایه‌داری پدید آمد. به‌گونه‌ای که سرمایه‌داری قرن ۲۰ اگر نگوئیم کاملاً با سرمایه‌داری (بگذار هر چه

می‌خواهند بکنند» فرق دارد دست‌کم تحولات جدی کرده است. اصناف مختلف و حتی ایده انصاف و عدالت وبیمه و خیلی چیزهای دیگر پدید آمده یا جدی‌تر گرفته شده‌اند و همچنین بحران‌هایی را که در ۱۹۶۰-۱۹۲۰ و حتی در ۲۰۰۸ بود توانست از سر بگذراند. اما بحران عمیق‌تری که وجود دارد و اندیشمندان غربی از دهه‌های اول قرن بیستم بیشتر به آن توجه کرده و توجه داده‌اند و اخیراً هم پستمدرن‌ها که بزرگ‌ترین شاووده‌شکن‌های تجددند در این میدان حرکت می‌کنند، آنچه‌در آن تردیدی نیست تمدن جدید آخرین حلقه رشد جامعه بشری نیست وبه تعبیر دیگر «پایان تاریخ» نیست. بلکه این تمدن هم جای خود را به تمدنی دیگر خواهد داد. کدام تمدن؟ نمی‌دانم، و فکر می‌کنم هیچ کس مشخصاً نمی‌داند که چیست؟ آنچه مهم است اینکه در انقلاب ما اعتراض به وجه سیاسی تمدن غرب قوی بود. نوعی اعتراض به تمدن غرب هم بود و در ایران پیش از انقلاب هم بود. منتهی تمدن غرب را (بیشتر) در وجه سیاسی آن یعنی لیبرال دموکراسی دیدن آن هم تأثیر و تأثیری که غرب در بیرون مرزهای ملی خود داشته است و خشم خود را بر سر غرب و تمدن غربی و تجدد از پایگاه فاشیسم و کمونیسم (که خود زاده تمدن غربند) یا از دیدگاه بنیادگرانی اسلامی با نژادی آوار کردن، افتادن از چاله به چاه است. من گفته‌ام و باز هم می‌گویم آنچه نزد ما غایب است اجتهاد است. اجتهاد در سنت و اجتهاد در تجدد (و مدرنیته). نقد تمدن غرب آری، نفی آن نه. نقد سنت آری، نفی آن نه. اگر اعتراض داریم نباید ونمی‌توانیم از دستاوردهای عظیم ومثبت و گریزناپذیر تمدن غرب غافل باشیم بلکه در عین حال که جهات مثبت را می‌خواهیم باید متوجه بحران آن هم باشیم وبه پساتجدد نگاه کنیم. در حالی که بسیاری از تحلیل‌گران وولبستگان به انقلاب، تجدد را نقد می‌کنند ولی نگاه‌شان به پیشاتجدد است که نه قابل احیاء است ونه اگر باشد دردی را دوا می‌کند. یعنی نفی غرب با تمناى (غیرقابل حصول) بازگشت به دوران پیشاتجدد. امروز هدف باید توسعه همه‌جانبه کشور توأم با عدالت باشد. امنیت در این زمینه ضروری است و اقتدار، پشتوانه امنیت است و اقتدار واقعی علاوه بر توان نظامی و قدرت بازدارندگی حتماً باید متکی بر رضایت مردم

و نزدیکی حاکمیت با مردم باشدو رضایت مردم نیز با مشارکت آنان در همه عرصه‌ها و تأمین حقوق آنان و برخورداری از اقتصاد توانا و پویا و تلاش برای رفع فقر وفساد است ونیز اینکه حکومت خود را مصرف‌کننده اندیشه و در انتظار راه‌کارهایی باشد که دانشمندان - متخصصان و افراد مجرب دارند. در این امر با سیاست‌های رایج که مبتنی بر پاکسازی و یکدست‌سازی و حذف و محدودیت به نام تأیید یا رد صلاحیت است ابد آچور در نمی‌آید. انقلاب ما یک انقلاب بزرگ بود. خروجی این انقلاب برای مر حله اجرایی، جمهوری اسلامی بود. در حالی که بسیاری از حرکت‌هایی که به‌نام اسلام بوده و هست هدف‌شان خلافت اسلامی و امارت مومنان و... بوده و هست و آثار و نتایج آن را هم دیده‌ایم. اگر مایک جمهوری اسلامی داشته باشیم که حذبصباى از ملاک‌های جمهوریت را داشته باشد وبخواید جمهوری به همان معنا که در دنیاست پیاده کنند و در عین حال قرائتی از اسلام را نیز داشته باشد که با رأی مردم، حقوق انسان‌ها و مسئولیت قدرت در برابر نهادهای مردمی... سازگار باشد، بسیاری از مشکلات ما حل خواهد شد. روشنفکران و مردم به این جمهوری اسلامی رأی دادند. اگر این مردم می‌دانستند خلاف آن صورت خواهد گرفت به جمهوری اسلامی رأی نمی‌دادند. چه در داخل و چه در عرصه‌های بین‌المللی من معتقدم می‌توان تصویر تعریفی از جمهوری اسلامی داشته باشیم که ما را با مشکلاتی که داریم مواجه نکنند. اگر این نظام با همه کاستی‌ها و عیب‌هایش کنار برود سرنوشت ایران به مراتب تلخ‌تر از این خواهد شد که هست. تجزیه‌طلبی، دخالت خارجی، نفوذاها و... ایران را از بین خواهد برد و تنها راه اصلاح اساسی کاری کم‌هزینه‌تر و با فایده‌تر از هر راه کار دیگر است. اکثر مردم می‌خواهند زندگی کنند. اگر مشکلات اقتصادی، سیاسی و منزلی مردم و... کشور حل شود، رضایت مردم هم کم و بیش بدست خواهد آمد. اما یک مسئله مهم‌تری که وجود دارد مسئله شکاف نسلی است؛ با توجه به تحولاتی که در زمینه ارتباطات و تکنولوژی پیش آمده است باید گفت دنیا با مسئله جدید روبه‌رو شده است. با هوش مصنوعی و ارتباطات، مرجعیت‌های پیشین در دنیای امروز به شدت تضعیف شده است. حتی دیگر دولت- ملت اهمیت خود را از دست داده است. نسل جدید در باورهای خود با گذشته فرق کرده است. خواست‌ها و آرمان‌هایش عوض شده است. البته طبق نظر سنجی‌ها هنوز دلبستگی به میهن و دغدغه سرنوشت آن و پیشرفت آن در نسل Z قوی است. در نهایت من معتقدم راهی جز اصلاحات وجود ندارد و در عمق جامعه هم اگر پرسیده شود میان براندازی و حرکت‌های رادیکال و اصلاحات، چه چیز مطلوب است، اگر در ورای احساسات زودگذر و عصبانیت‌هایی که از وضع موجود است بنگریم به‌نظم اکثریت اصلاحات را انتخاب خواهد کرد.

کند. باید حلتش کنید. بعلاوه حداقل هزینه‌های دیگر را کم کنید. این بودجه که حتماً با سیاست مشابه در افزایش حقوق کارگران همراه خواهد شد نوعی پیش‌لرزه برای انفجار فقر است. درباره تبعات این بودجه و مسئله کاهش سرمایه‌گذاری که بیکاری و به دنبال آن فقر را هم افزایش خواهد داد در هفته‌های آینده باید نوشت.

۲

تیتریک

HEADLINE ONE

بررسی جلسه شورای امنیت درباره قطعنامه ۲۲۳۱

شکاف شرق و غرب جدی است؟



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

عصر روز سه‌شنبه به وقت تهران وساعت ۱۰ صبح به وقت نیویورک، جلسه شورای امنیت سازمان ملل برای بررسی بیستمین گزارش دبیرکل درباره اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ برگزار شد؛ نشست که خالی از تنش‌های دیپلماتیک نبود و در مقاطعی به‌تقابل کلامی میان نمایندگان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده انجامید. این جلسه در بستری از اختلاف‌نظر عمیق و تفسیرهای متعارض اعضای دائم شورای امنیت درباره پرونده هسته‌ای ایران و وضعیت حقوقی قطعنامه ۲۲۳۱ شکل گرفت. در یک سوی این مناقشه، چین و روسیه در کنار ایران قرار دارند که معتقدند فرآیند موسوم به «اسنپک» با اشکالات جدی حقوقی و رویه‌ای مواجه بوده و قطعنامه ۲۲۳۱ در تاریخ ۱۸ اکتبر (۲۵ مهر) به پایان رسیده و از این رو، پرونده هسته‌ای ایران دیگر در دستور کار شورای امنیت قرار ندارد. در سوی دیگر، آمریکا، فرانسه و بریتانیا بر این باورند که ایران به تعهدات برجامی خود پایبند نبوده، قطعنامه ۲۲۳۱ منقضی نشده و پس از فعال سازی مکانیسم ماشه، قطعنامه‌های تحریمی صادرشده علیه ایران در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ بار دیگر قابلیت اجرا یافته‌اند. با وجود این اختلاف تفسیری، نفس برگزاری جلسه شورای امنیت را می‌توان نشانه‌ای از تداوم تلقی قطعنامه ۲۲۳۱ دانست. بر اساس مفاد این قطعنامه، دبیرکل سازمان ملل موظف است هر شش ماه یک‌بار گزارشی از روند اجرای آن به شورای امنیت ارائه کند. گزارش پیشین آنتونیو گوترش در خردادماه سال جاری (هه‌زمان با روز ششم جنگ) ارائه شد و گزارش اخیر، بیستمین گزارش در این چارچوب محسوب می‌شود.

▼ گزارش منفی دبیرکل

گزارش دوره‌ای دبیرکل از سوی رزماری دی‌کارلو، معاون دبیرکل سازمان ملل در امور سیاسی و صلح، در جلسه قرائت شد. این گزارش بازه زمانی ژوئن تا اکتبر ۲۰۲۵ را دربر می‌گیرد و بنا بر مقدمه آن، شامل مروری بر مکاتبات کشورهای عضو درباره اجرای قطعنامه، خلاصه‌ای از آخرین گزارش‌آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در خصوص فعالیت‌های نظارتی و راستی‌آزمایی در ایران و نیز گزارشی از وضعیت اقدامات محدودکننده مندرج در بند ۲ پیوست B قطعنامه ۲۲۳۱ است. از آنجا که گزارش گوترش عمدتاً بر آخرین گزارش‌رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی -به‌عنوان تنها نهاد مورد تأیید سازمان ملل در حوزه هسته‌ای- استوار است و در کنار آن، ادعاهای ترونیکی اروپایی علیه تهران نیز بازتاب یافته، محتوای این گزارش در مجموع به سود ایران ارزیابی نمی‌شود.

▼ جدال اورنگاس و ایروانی

امیرسعید ایروانی، سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان ملل، در این جلسه مواضع رسمی تهران را تشریح کرد. او با تأکید بر پایان یافتن قطعنامه ۲۲۳۱، غیرقانونی بودن مکانیسم اسنپک و فقدانی از مواضع همسو و حمایتی روسیه و چین گفت: «اصول بنیادین برنامه جامع اقدام مشترک همچنان معتبر و غیرقابل تردید هستند؛ ارائه تضمین‌های قابل راستی‌آزمایی درباره صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران، در برابر برسمیت شناختن کامل حقوق ایران ذیل معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، از جمله حق غنی‌سازی، لغو تمامی تحریم‌ها و عادی سازی اقتصاد ایران.» او افزود که این اصول همچنان

جلسه‌بی خاصیت؟

اظهارنظر نمایندگان و رئیس مجلس درباره نشست غیرعلنی با دولت

▼ جلسه غیرعلنی بی‌ثمر نبود

محمداقبر قالیباف با اشاره به اینکه اطلاع‌رسانی دقیق و کاملی از جلسه غیرعلنی سه‌شنبه (۵ دی) مجلس انجام‌شده، تأکید کرد: «نماینده کبودآهنگ گفت جلسه‌بی نتیجه‌ای داشتیم اما این یکی از بهترین جلسه‌ها بود و بحث‌های شفاف و روشنی در آن مطرح شد و اینکه گفته شود هیچ موضوعی در آن دنبال نشد صحیح نیست. موضوعات مربوط به کالابُگ و اشکالات موجود و تخلفات و جرائم احتمالی در آن مطرح شد.» او افزود: «به عنوان یک عضو شورای عالی اقتصاد، درباره موضوعی که آقای لاهوتی اشاره کرد، می‌گویم که انجام موضوعات بررسی می‌شود و مسائل در چارچوب قانون دنبال می‌شود. اگر براساس شرایط لازم بود که قانون برای یک سال متوقف شود باید با اتفاق نظر سه قوه باشد و آن هم برای یک دوره محدود است و در صورتی که این توقف ادامه‌دار باشد دولت مکلف است لایحه به مجلس تقدیم کند. جلسه ما غیرعلنی بود تا بتوانیم این موضوعات را دنبال کنیم و در نهایت گزارشی از مجموع جلسه به رسانه‌ها و مردم ارائه کردیم و این صحیح نیست که بگویم جلسه دیروز هیچ‌ثمرای نداشته چراکه این جلسه خوبی بود و تصمیمات خوبی در آن اتخاذ شد که مردم آثار آن را در حوزه کالابُگ می‌بینند.»

▼ قالیباف وزیر کار را به صلابه کشید

سلمان اسحاقی، نماینده قاننات وزیرکوه با بیان اینکه یکی از موضوعات مهم ما اقتصاد و معیشت در جلسه غیرعلنی بود که رئیس مجلس به صورت تمام‌قد در مقابل آمار و ارقام دولت که با واقعیت فاصله داشت ایستاد، گفت: «انتظار دارید تلویزیون چه چیزی را پخش کند؟ گفته شود که چی بقه وزیر کار را برای پرداخت یارانه و کالابُگ برای سه ماهه پایان سال گرفت؟ رئیس مجلس، وزیر کار را به صلابه کشید که چرا او ارقام اشتباهی می‌دهد.»

قابلیت اجرا دارند و می‌توانند مبنایی مستحکم برای دستیابی به توافقی جدید باشند و تأکید کرد که برنامه هسته‌ای ایران باید صرفاً صلح‌آمیز باقی بماند و تهران آمادگی ارائه تضمین‌های لازم در این زمینه را دارد. ایروانی هشدار داد که اگر فرانسه و بریتانیا در ادعای خود مبنی بر پایبندی به دیپلماسی صادق باشند، باید ایالات متحده را به حرکت در این مسیر ترغیب کنند، در غیر این صورت، ادامه سیاست «غنی‌سازی صفر» به معنای نابودی عملی دیپلماسی خواهد بود. او همچنین رویکرد «صلح از طریق قدرت» را تضعیف‌کننده حاکمیت قانون و جایگزین‌کننده آن با «قانون جنگل» دانست. پس از سخنان نماینده ایران، مورگان اورنگاس، معاون نماینده ویژه ترامپ در امور خاورمیانه، به‌عنوان نماینده آمریکا در جلسه، با اشاره به تجربه همکاری خود با دونالد ترامپ مدعی شد که رئیس‌جمهور آمریکا در هر دو دوره ریاست جمهوری اش دست دیپلماسی را به سوی ایران دراز کرده، اما ایران به جای پذیرش آن، دست خود را در آتش فرو برده است. او بار دیگر بر سیاست «غنی‌سازی صفر» تأکید کرد، آن را یک اصل دانست و گفت واشنگتن آماده مذاکره مستقیم و معنادار با ایران است. ایروانی در پاسخ به این اظهارات تصریح کرد که ایران از هرگونه مذاکره منصفانه و واقعی استقبال می‌کند، اما اصرار بر سیاست غنی‌سازی صفر را مغایر با حقوق مسلم ایران ذیل معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای دانست و آن را نشانه‌ای از فقدان نیت واقعی برای مذاکره توصیف کرد. او تأکید کرد که ایران نه در برابر فشار تسلیم خواهد شد و نه باج‌خواهی را خواهد پذیرفت.

▼ حمایت پکن و مسکو از موضع تهران

واسیلی لیتنیزا، سفیر روسیه در سازمان ملل، با انتقاد شدید از رویکرد آمریکا و اروپا گفت که تمامی مفاد قطعنامه ۲۲۳۱ در تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ منقضی شده و شورای امنیت و دبیرخانه سازمان ملل دیگر اختیاری در این زمینه ندارند. او تلاش‌های فرانسه و بریتانیا برای بازگرداندن این موضوع به‌دستور کار شورا را اقدامی نمایشی با هدف احیای تحریم‌ها علیه ایران دانست و تأکید کرد که برنامه هسته‌ای ایران دیگر در دستور کار شورای امنیت قرار ندارد و افزود که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هرگز به وجود اهداف نظامی در برنامه هسته‌ای ایران اشاره نکرده است. او حمله اسرائیل به خاک ایران را نیز نقض آشکار حقوق بین‌الملل توصیف کرد. نماینده چین نیز ضمن حمایت از مواضع روسیه، اعلام کرد که قطعنامه ۲۲۳۱ منقضی شده و برخی کشورها با طرح دوباره موضوعاتی که پایان یافته‌اند، در حال تضعیف اعتبار و اختیارات شورای امنیت هستند. چین از اعضای شورا خواست واقعیت پایان این قطعنامه را بپذیرند و شرایط سیاسی لازم برای حل و فصل مسئله هسته‌ای ایران را فراهم کنند. نمایندگان پاکستان و الجزایر نیز بر ضرورت راه حل دیپلماتیک تأکید کردند.

▼ آمریکا: کمیته تحریم‌های ۱۳۷۳ فعال شده است

در مقابل، نمایندگان آمریکا، فرانسه، بریتانیا، آلمان و اتحادیه اروپا با متهم کردن ایران به نقض تعهدات برجامی اعلام کردند که قطعنامه‌های تحریمی پیشین علیه ایران بار دیگر فعال شده‌اند و از کشورها خواستند به اجرای آن‌ها پایبند باشند. **جفری بارتوس، معاون نمایندگی آمریکا**، با استناد به گزارش دبیرکل گفت که قطعنامه ۲۲۳۱ همچنان معتبر است و شورای امنیت، در چارچوب اسنپک، تصمیم به اجرای مجددشش قطعنامه تحریمی علیه ایران گرفته است. او همچنین اعلام کرد که کمیته تحریم‌های ۱۳۷۳ -که پیش از برجام مسئول نظارت بر تحریم‌ها علیه ایران بود- پس از فعال‌سازی اسنپک بار دیگر آغاز به کار کرده و نماینده آلمان نیز خواستار تعیین رئیس این کمیته برای آغاز فعالیت کارشناسان شد.

گزارش دو